

جومی کند. در این فیلم نیز همچون دیگر آثار مذکور شیوه های صحیح و نادرست سبک زندگی توامان به تصویر کشیده شده است و مخاطب باید با دقت در جزئیات اثر، هریک از این شیوه ها را واکاوی و باز خوانی کند.

نقد سینما برای نمایش و آسیب شناسی سبک زندگی

بی تردیدی یکی از موضوعاتی که طی چند سال اخیر بیشتر کارگردانان سینما آن را به عنوان سبک زندگی دستمایه آثار خود قرار داده اند «خیانت در زندگی مشترک» است اما این که فیلم سازان با چه دیدگاهی به این موضوع پرداخته اند و نحوه باز نمایی آن بر پرده سینما چگونه بوده است اهمیت بسیار دارد. زیرا نحوه پرداختن به این موضوع با میزان تاثیر گذاری بر مخاطبان به عنوان سبک زندگی ارتباط مستقیم دارد. به عبارتی زمانی که سینما به یک موضوع به عنوان سبک زندگی از جنبه های مختلف می پردازد باید این نکته مد نظر قرار گیرد که این موضوع نقد شود و کارگردان فقط طرح مسئله نکند. در این گونه موارد شایسته تر این است که فیلم ساز با نمایش و جوه مختلف یک رفتار مثبت یا منفی به عنوان سبک زندگی، انگیزه های انجام آن را نیز بررسی و آسیب شناسی کند. بهر روز افخمی در فیلم «شوکران» به گونه ای شفاف به خیانت در زندگی مشترک پرداخت و با عبور از خط قرمز ها و برخی ساختار شکنی ها، توجه کارگردان های دیگر را نیز به این موضوع معطوف کرد. البته به تصویر کشیدن چنین موضوعی در آن دوران واکنش های بسیاری را به همراه داشت. شاید به همین خاطر بود که اعتراض پرستان به نحوه نمایش مناسبت های حرفه ای شان در این فیلم باعث شد موضوع خیانت در سایه این واکنش ها قرار گیرد.

در «شوکران» خیانت از سوی مردی انجام می گیرد که خود را نسبت به حفظ ارزش های دینی و پایبندی به اصول خانوادگی مقید نشان می دهد. به همین سبب خیانت در این فیلم به طبقه خاصی از جامعه تعمیم می یابد و به گونه ای نادرست در باره آن قضاوت می شود. اگر چه بعد ها دیگر فیلم سازان در برخی آثار شان به موضوع خیانت پرداختند اما هیچ کدام با این سبک زندگی را محور داستان خود قرار ندادند یا در پرداخت این موضوع ناموفق بودند. اصغر فرهادی در «چهارشنبه سوری» خیانت را در زندگی یک زوج امروزی به گونه ای قابل باور و تعمیم پذیر به بیشتر اقشار جامعه روایت کرد. به همین دلیل مخاطبان از این اثر استقبال کردند و با تماشای تصویری واقع گرا از خیانت و شناخت پیامد های آن تلاش کردند این موضوع در سبک زندگی شان جایگاهی نداشته باشد. تصویر خیانت به ویژه خیانت های عاطفی و خانوادگی در سینمای ایران بعد از «چهارشنبه سوری» پر رنگ تر شد و فیلم هایی چون «من همسرش هستم»، «من مادر هستم»، «برف روی کاج ها»، «زندگی خصوصی» و... روانه پرده سینماها شد. اما هریک از این آثار و جوه مختلفی از خیانت را باز نمایی می کنند؛ خیانت ناشی از شکست در عشق، فقدان محبت متقابل، تنوع طلبی، انتقام و کینه توزی. در «چهارشنبه سوری» زن مدرنی نسبت به این که همسرش مرتکب خیانت شده باشد تردید دارد و حاضر به پذیرش چنین رفتاری نیست.

در «دیشب بابتو دیدم آیدا» زن سنتی به شرایط دشوار زندگی خود تن می دهد و به ناچار با خیانت همسرش می سازد. البته خیانت به عنوان سبک زندگی در میان اقشار مختلف جامعه از جوه مختلف مد نظر کارگردانان سینما قرار گرفته است تا هشدار برای گسست های خانوادگی باشد. نارضایتی اخلاقی و عاطفی از همسر در «بانو»، «عشق پیری در دنیا»، «بچه دار نشدن در حس پنهان» و تنوع طلبی در «دیشب بابتو دیدم آیدا» از آن جمله است.

سبک زندگی بر رنگابو هاجان می گیرد

سینمای ایران تا کنون در بسیاری از آثارش در گونه های متفاوت ملودرام، اجتماعی، دینی، دفاع مقدس، فلسفی کمدی و طنز به ترسیم، باز نمایی، نقد و نمایش سبک زندگی پرداخته است. در بیشتر این آثار اگر چه کارگردان بر یک مضمون به عنوان سبک

میهمان نوازی به عنوان سبک زندگی بپردازد، بیشتر بر دوری جستن از زندگی، نبود نشاط، قهر های پیاپی، تنهایی، انزوا طلبی و... می پردازد. «کیمیا» ساخته احمد رضا درویش نیز در حوزه سینمای دفاع مقدس ساخته شده است. در بسیاری از سکانس های این اثر به ویژه صحنه هایی که در بیمارستان صحرایی می گذرد، نمی توان از خود گذشتگی و ایثار پرستاران برای نجات جان مجروحان آن هم زیر آتش دشمن را نادیده گرفت. اما به همین سادگی هم نمی توان از خودخواهی برادر و خواهری (بی تافهی و رضا کیانیان) گذشت که تلاش دارند حق پدری خسرو شکیبایی را که مدتی در اسارت بوده و فرزندش زیر آتش توپ و خمپاره متولد شده است نادیده بگیرند و دخترش را که اینک بزرگ شده است به او بسپارند.

«من ترانه پانزده سال دارم» به کارگردانی رسول صدرعاملی نیز مسئولیت پذیری ترانه در قبال تولد فرزند ناخواسته را به عنوان سبک زندگی مطرح می کند اما در روایت داستان به نقد برخی از شیوه های نادرست از جمله قانون گریزی، نگرش نادرست جامعه به زنان مطلقه، دختران فراری، روابط آزاد میان دختران و پسران، سوء استفاده از دختران و بز هکاری بین بزرگسالان نیز می پردازد و خود را به نمایش یک سبک زندگی خاص محدود نمی کند. به عنوان نمونه قانون گریزی مهتاب نصیرپور برای اثبات این که نوزاد ترانه نوه او نیست در حالی عنوان می شود که او خودش را مجری قانون و مسئول رسیدگی به مشکلات دانش آموزان می داند.

اماترانه با وجود تمام مانع تراشی ها موفق به گرفتن شناسنامه برای دخترش به نام خانوادگی خود می شود. حسین محبوب نیز به عنوان پدر ترانه به سبب بز هکاری در زندان به سر می برد و همه بار مسئولیت و تامین مخارج زندگی از طریق کار در رستوران ها و کافی شاپ ها بر عهده ترانه است. در فیلم «آقا یوسف» هم که به موضوع «سوء تفاهم» می پردازد، علی رفیعی قصد دارد در نج پدرباز نشسته ای را که به عنوان خدمتکار در منزل دیگران کار می کند به نمایش بگذارد. پدری که در عین از خود گذشتگی تلاش دارد این موضوع به دلیل مخاطره نیفتادن جایگاه اجتماعی دخترش پنهان بماند. از طرفی بر خورد نامناسب برخی از صاحب خانه ها با آقا یوسف با وجود همدلی او برای حل مشکلات خانوادگی آن ها تا حد زیادی در دناک و ناپسند جلوه می کند و به عنوان مولفه ای از سبک زندگی نادرست مطرح می شود. اختلافات شاه رخ فرو تنیان با همسرش و قرار گرفتن دخترشان در کانون این بحران، قدرت تصمیم گیری را از دختر سلب کرده است. از طرفی عشق دو دوست قدیمی به دخترانشان زمینه آشنایی دوباره آن ها را فراهم می آورد. رفیعی در این فیلم به تنهایی آقا یوسف نقی می زند و در اونیز به داشتن همدی که او را درک کند جست و

با توجه به محبوبیت، جذابیت و تاثیر گذاری فردی و اجتماعی رسانه فراگیری همچون سینما، این رسانه در معرفی و ترویج سبک زندگی ایرانی - اسلامی، تعالی اخلاق، اشاعه آموزه های دینی و فراهم آوردن بستر مناسبی برای الگو سازی میان اقشار مختلف جامعه نقش بسزایی دارد.

زندگی است که در این دو اثر نمودی آشکار دارد. نمایش سبک زندگی در آثار سینمایی را نمی توان به یک یا دو فیلم محدود کرد. زیرا اگر چه در برخی آثار موضوعی پر رنگ تر به تصویر کشیده شده است اما به موازات آن، دیگر نشانه ها و شیوه های سبک زندگی نیز در آنها متجلی است. میر کریمی در فیلم «به حبه قند» به فرهنگ ناب ایرانی، ارزش های زندگی سنتی و ترویج آن می پردازد. آدم های فیلم که متعلق به جامعه سنتی هستند به دور از جاذبه های فضاهای مدرن، زندگی خوب و خوشی دارند. دیوارهای قدیمی، زنانی با چادرهای رنگی، لهجه یزدی، خانه باغ قدیمی و سرسبز، شور زندگی، اندوه، مرگ، گل و گلدان، چراغ های قدیمی، حوض بزرگ و... حکایت از داستان شیرین همدلی، احترام به پدر و مادر و رعایت حقوق دیگران در روابط اجتماعی دارد. ویژگی های ارزشمندی که با توجه به هجوم گسترده مدرنیسم از زندگی بسیاری از خانواده های ایرانی رخت بر بسته است.

در «به حبه قند» صمیمیت، سادگی، صداقت، همدلی، همفکری و تعاون به خوبی به عنوان سبک زندگی ایرانی و اسلامی معرفی و ترویج می شود. در دست همان گونه که داریوش مهرجویی در «مهمان مامان» یکدلی، فداکاری، همفکری و نودوستی را در چند خانواده ایرانی که به رسم قدیم در کنار هم و در خانه ای با سبک معماری ایرانی زندگی می کنند به نمایش می گذارد و این سبک زندگی را ستایش و تحسین می کند. کمک کردن همسایگان به عفت خانم برای تهیه شام میهمانانش، دلواپسی مش مریم برای سر بردن مرغ و خروسش و چیدن سفره روی زمین، از جمله ویژگی هایی است که مخاطب را به همدات پنداری با اثر او می دارد. در دست بر خلاف «ماهی ها عاشق می شوند» که به قصد نمایش آیین و رسوم ایرانی مدام انواع غذاهای می شود اما به سبب گسست پایه های دوستی و خانوادگی، میزبانی نتیجه نمی دهد. فیلم بیش از آن که به ترویج

نمایی از فیلم «طلا و مس»



ویژه نامه نوروزی

روزنامه خراسان

فروردین ۱۳۹۳